



تیم مذاکره کننده آژانس با تلفن آمانو گفت وگوها در تهران را تعلیق کرد/مدالیته جدید باید در ادامه برنامه کار 2007 باشد

نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: هیچ کشوری به دبیرخانه آژانس برای اقدامات ناشناخته بیش‌تری که ممکن است در آینده درخواست کند، چک سفید نمی‌دهد.

سخنرانی نماینده ایران در نشست شورای حکام

تیم مذاکره کننده آژانس با تلفن آمانو گفت وگوها در تهران را تعلیق کرد/مدالیته جدید باید در ادامه برنامه کار 2007 باشد

نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: هیچ کشوری به دبیرخانه آژانس برای اقدامات ناشناخته بیش‌تری که ممکن است در آینده درخواست کند، چک سفید نمی‌دهد.

به گزارش خبرگزاری فارس، علی اصغر سلطانیه نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست شورای حکام با اشاره به انتظارات مشروع ملت ایران از این شورا گفت: مجدداً تکرار می‌کنم که سلاح هسته ای هیچ جایگاهی در دکترین و اصول دفاعی ایران ندارد زیرا مقام معظم رهبری به طور علنی فتوایی را اعلام کردند که به موجب آن سلاح هسته ای را از دیدگاه مذهبی حرام دانستند. ایران ذره‌ای بیش از تعهدات خویش به موجب معاهده منع اشاعه هسته ای و موافقت‌نامه جامع پادمان نخواهد پذیرفت و ذره‌ای نیز از حق انکارناپذیر خود برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته ای، شامل غنی‌سازی با اهداف صلح‌آمیز عقب‌نشینی نخواهد کرد.

وی تصریح کرد که سیاست تحریم-گفت‌وگو، تهدید به حمله نظامی علیه تاسیسات هسته ای، و اقدامات تروریستی دولتی علیه دانشمندان هسته ای غیرسازنده است چرا که این اقدامات موجب ارتقای همبستگی و موجب عزم ملت بزرگ ایران برای پیگیری حق مشروع خویش جهت دستیابی به انرژی هسته ای و به‌ویژه غنی‌سازی شده است.

وی در این نشست با انتقاد از درخواست های مکرر یوکیا آمانو مدیر کل آژانس برای پیوستن ایران به پروتکل الحاقی و بازدید از سایت نظامی پارچین گفت: مایه نگرانی شدید است که راستی‌آزمایی بر اساس پادمان مبتنی بر اطلاعات سرویس‌های جاسوسی و بر مبنای اطلاعات دریافتی از منابع باز یا عمومی (open source) مبدل شده و در این وضعیت هیچ مسوولیت‌پذیری و جبران خسارت در صورت مشخص شدن کذب بودن اطلاعات، وجود ندارد.

ما باید این رویکرد خطرناک را که می‌رود ایجاد سابقه کند، تغییر دهیم. می‌توان به مدلی که در کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی پیش‌بینی شده است، فکر کرد که طبق آن، یک کشور باید رسماً درخواست بازرسی چالشی از یک کشور عضو دیگر کند. در این چارچوب، این کشور درخواست‌کننده است که مسوولیت دارد، نه دبیرخانه.

وی با اشاره به عناصر اصلی انتظارات مشروع ایران در طول این مذاکرات درخواست های ایران را برشمرد که از مهمترین آنها می‌توان به نکات زیر اشاره کرد: بعد از اجرای مدالیته جدید برای حل و فصل موضوعات باقی‌مانده، باید پرونده مختومه شده و اجرای پادمان آژانس به وضعیت عادی برگردد. نباید کار از صفر آغاز شود.

وی معتقد است غیر سیاسی کردن و غیرقطبی کردن آژانس، خلاص کردن شورای امنیت سازمان ملل متحد از پرداختن به این موضوع فنی که به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعلق دارد و گفتگو، تنها شیوه های متمدنانه ای است که ابهامات را چنانچه وجود داشته باشند مرتفع کند.

وی گفت: جمهوری اسلامی حق ادعای خسارت به سبب سوء برداشت ناشی از گزارش‌های مدیرکل به شورای حکام، را برای خود محفوظ می‌دارد.

متن سخنان علی‌اصغر سلطانیه، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در نشست شورای حکام در 6 مارس 2013 (16 اسفند)

در وین به شرح زیر است:

آقای رییس؛ همکاران گرامی

در ابتدا و در آستانه بهار که با تعطیلات سال نو در ایران و 10 کشور دیگر جهان مصادف شده و تحت عنوان نوروز توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است، مایلم تا بهترین آرزوها را (برای شما) در برآورده کردن آمال و آرزوهای آحاد مردم جهان در ایجاد (و استقرار) صلح و امنیت جهانی داشته باشم. نخستین گام (در این مسیر) جلوگیری از مقابله و ایجاد زمینه‌ای برای گفت‌وگو به روشی متمدنانه است.

خود را موظف می‌دانم که قدردانی خود را از حمایت دائمی و اساسی جنبش غیرمتعهدها در دهه اخیر درباره دفاع از حق مسلم ایران برای استفاده صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای را ثبت کنم. تلاش این جنبش برای صلح و خلع سلاح و برای ایجاد عدالت از طریق مساعدت با ارزشش به سازمان‌های بین‌المللی، همان طور که در گذشته متذکر شدم، یک رکورد بی‌سابقه و یک فصل طلایی را در تاریخ جنبش غیرمتعهدها به ثبت رسانده است. بایست از طبیعت الهام گرفته و وضعیت را تغییر داده و فصل نوینی را در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بگشاییم. برای این منظور مایلم تا با مروری بر پرونده هسته‌ای ایران، دلایل این روند بی‌پایان که این پرونده را پس از 10 سال همچنان مفتوح رها کرده است، ریشه‌یابی کنم.

از شما درخواست می‌کنم تا این سخنرانی کوتاه مدت را که در مقایسه با مدت زمان 10 سال گذشته زمان اندکی است، با صبر و تحمل استماع فرمایید:

1- همکاری ایران و اجرای پادمان‌های عادی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای با متوجه کردن اتهامی (به کشورمان) در خصوص انجام فعالیت‌های زیرزمینی در تاسیساتی در نطنز و اراک در سال 2002 مختل شد.

2- اگرچه بلافاصله پس از دیدار بازرس آژانس که بنا به دعوت ایران صورت گرفته بود این امر اثبات شد که هر دو ساختمان در روی زمین قرار داشته و حتی از فاصله‌ای چندین کیلومتری به سهولت قابل رویت هستند، اما آژانس حاضر نشد تا به شکلی مسئولانه گزارش داده و این چنین بود که افکار عمومی (در جهان) با تبلیغات تحریف شده رسانه‌های غربی که در نظر داشتند پرونده جدیدی را در این راستا بگشایند همراه شدند.

3- ایران اتهام #171 پایبند نبودن» به تعهدات پادمانی را رد کرد، زیرا تا آن زمان یعنی سال 2003 هنوز کد اصلاح شده 3.1 ترتیبات فرعی (داشتن تعهد مبنی بر گزارش ایجاد سایت‌های جدید هم‌زمان با آغاز ساخت آن‌ها به جای 180 روز قبل از تزریق مواد هسته‌ای) و پروتکل الحاقی را امضاء نکرده بود.

4- در حین انجام بازرسی‌ها، بازرسان نمونه‌های swipe را در نطنز یافتند. سپس آژانس گزارش کرد که آنالیز انجام شده حاکی از وجود اجزا اورانیوم با درجه غنای بالا و پایین بوده است. ایران نیز اعلام کرد که این امر نتیجه غنی‌سازی اورانیوم در ایران نیست، بلکه به دلیل اجزا دست دوم آلوده‌ای است که از واسطه‌ها دریافت شده است.

5- دکتر البرادعی، مدیرکل وقت، در ملاقات خود با رییس‌جمهور ما ضمن تبریک موفقیت (کشورمان) در زمینه انرژی هسته‌ای پیشنهاد کرد تا ایران کد اصلاحی 3.1 را بپذیرد که ایران نیز این امر را پذیرفت.

6- وزیران امور خارجه فرانسه، انگلستان و آلمان (موسوم به EU3) به تهران سفر کرده و اعلام کردند که آنان این سفر را به منظور ایفای نقش مذاکره‌کننده جهت جلوگیری از ایجاد تنش در مناسبات سیاسی انجام داده‌اند. آنان از ایران خواستند تا فعالیت‌های غنی‌سازی را برای مدتی کوتاه و تا زمانی که ابهامات در مورد منشاء آلودگی اورانیوم رفع شوند، به حالت تعلیق در آورد. آنان همچنین از ایران درخواست کردند تا به صورت داوطلبانه پروتکل الحاقی را بپذیرد که کشورمان نیز به همین منوال عمل کرد.

7- متعاقب این همکاری فعالانه از سوی ایران، که در بسیاری از موارد فراتر از معاهده منع اشاعه هسته ای بود، و همچنین بازرسی‌های فشرده و طولانی مدت فنی، مدیرکل در سال 2004 اعلام کرده و به شورای حکام نیز گزارش داد که منشاء آلودگی در خارج بوده و بنابر این اظهارات ایران در این خصوص صحیح بوده است. از این رو توجیهی برای تعلیق وجود نداشته و علی‌القاعده باید پرونده بسته می‌شد.

8- بلافاصله پس از اعلام این خبر مهم، ایالات متحده ادعایی مبنی بر وجود فعالیت‌های مخفیانه هسته ای به ویژه غنی‌سازی اورانیوم در سایت نظامی کلاه‌دوز را مطرح کرد.

9- در حالی که ایران در حال برداشتن گام‌های داوطلبانه و همکاری فعالانه (با آژانس)، شامل اجرای پروتکل الحاقی بود، در زمان تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی در کمال تعجب EU3 (انگلیس، فرانسه و آلمان) که مدعی ایفای نقش واسطه و مبتنی بر کاهش تنش بودند، مبادرت به صدور بیانیه‌های خصمانه و ارائه قطعنامه‌هایی علیه ایران تقریباً در تمام نشست‌های شورای حکام کردند.

10- در حین انجام بازرسی شدید، آژانس متوجه شد که محل ادعا شده، که مشخصات آن توسط سرویس اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا داده شده بود، اصطیل و محل نگه‌داری چند راس اسب از آب در آمده است. تیم آژانس از وضعیت پیش آمده عذرخواهی کرد. بی‌اساس بودن اتهامات متعدد دیگر در خصوص فعالیت‌های هسته ای در سایت نظامی نیز به اثبات رسید و مراتب به شورای حکام گزارش شد، اما سناریو اتهامات همچنان ادامه یافت.

11- دستور کار پنهان، مشخص شد. با وجود همه همکاری‌های ایران حتی فراتر از معاهده منع اشاعه هسته ای شامل تعلیق همه فعالیت‌های غنی‌سازی، اجرای پروتکل الحاقی و کد اصلاحی 3.1 برای دو سال و نیم، سه کشور اروپایی (EU3) و آمریکا، قطعنامه‌ای را در سال 2006 به منظور احاله پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت ارائه دادند.

12- مجلس ایران دولت را موظف کرد تا همکاریش با آژانس را محدود به معاهده منع اشاعه هسته‌ای کند و همکاری‌های داوطلبانه یعنی تعلیق غنی‌سازی، اجرای پروتکل الحاقی و کد اصلاحی 3.1 ترتیبات فرعی را تعلیق کند.

13- متعاقب گفت‌وگوهای بین نماینده عالی اتحادیه اروپا و مدیرکل آژانس با دبیر شورای عالی امنیت (ملی) ایران، مذاکرات فشرده‌ای بین ایران و آژانس در تهران انجام پذیرفت که در نتیجه آن، برنامه کار (INFCIRC/711) برای حل موضوعات باقی‌مانده در تاریخ 27 اوت 2007 مورد توافق قرار گرفت. ایران مصالحه بزرگی انجام داد، زیرا اقدامات مندرج در این سند فرای تعهدات معاهده منع اشاعه هسته ای بودند.

14- در پی کار مشترک فشرده، دکتر البرادعی، مدیرکل وقت آژانس، گزارش کرد که هر شش موضوع باقی‌مانده که در فهرست برنامه کار قرار داشتند حل و فصل شدند.

15- در رابطه با مطالعات ادعایی، دکتر البرادعی با صداقت گزارش کرد که ممانعت یک کشور معین یعنی آمریکا، از تحویل اسناد مربوط به مطالعات ادعایی، فعالیت‌های راستی‌آزمایی آژانس را به مخاطره افکنده است. او همچنین گزارش کرد که اسناد مربوطه فاقد اعتبار هستند و طبق سند مطالعات ادعایی، هیچ فعالیت یا مواد هسته‌ای دخیل نبوده‌اند. از این رو او از ایران درخواست مصالحه‌ای کرد، مبنی بر این‌که به آژانس اجازه داده شود مطالب مربوط به مطالعات ادعایی را به صورت پاور پوینت ارائه دهد، زیرا آژانس مجاز به تحویل اسناد ذی‌ربط نبود. با اعتماد به حسن‌نیت وی و با انتظار هر چه سریع‌تر مختومه شدن پرونده، ایران این درخواست را پذیرفت.

16- پس از صد ساعت بحث در ایران، ایران ثابت کرد که مطالب مربوط به مطالعات ادعایی ساختگی و نادرست هستند. آژانس سپس از ایران درخواست کرد به منظور مختومه شدن پرونده، توضیحاتش را به صورت مکتوب نیز ارائه دهد. ایران نیز این کار با ارائه 117 صفحه توضیحات خود انجام داد.

17- آژانس در تخلف آشکار از برنامه کار که به روشنی اعلام داشته بود که موضوع یا سند دیگری مطرح نخواهد شد، ادعاهای جدیدی یا به اصطلاح ابعاد احتمالی نظامی را مطرح کرد. آژانس به تعهد خود مبنی بر عادی کردن اجرای پادمان همان‌گونه که در برنامه کار پیش‌بینی شده بود، پایبندی نشان نداد.

18- پس از چند سال، بار دیگر ایران یک تصمیم سیاسی تاریخی گرفت مبنی بر این‌که گام‌های داوطلبانه‌ای را برای ابهام‌زدایی در رابطه با ادعای مربوط به سایت‌های نظامی بردارد. بنا بر ماهیت ادعاها، یعنی ابعاد احتمالی نظامی که مستقیماً در ارتباط با امنیت ملی و فراتر از موافقت‌نامه عادی پادمان معاهده منع اشاعه هسته ای قرار داشت ما ناگزیر شدیم با آژانس درباره یک چارچوب بی‌سابقه ویژه یعنی مدالیت و یا به اصطلاح رویکرد ساختاری، مذاکره کنیم تا وظایف هر دو طرف به روشنی ترسیم شوند.

19- مایه نگرانی شدید است که راستی‌آزمایی بر اساس پادمان مبتنی بر اطلاعات سرویس‌های جاسوسی و بر مبنای اطلاعات دریافتی از منابع باز یا عمومی (open source) مبدل شده و در این وضعیت هیچ مسوولیت‌پذیری و جبران خسارت در صورت مشخص شدن کذب بودن اطلاعات، وجود ندارد. ما باید این رویکرد خطرناک را که می‌رود ایجاد سابقه کند، تغییر دهیم. می‌توان به مدلی که در کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی پیش‌بینی شده است، فکر کرد که طبق آن، یک کشور باید رسماً درخواست بازرسی چالشی از یک کشور عضو دیگر کند. در این چارچوب، این کشور درخواست‌کننده است که مسوولیت دارد، نه دبیرخانه.

20- عناصر اصلی انتظارات مشروع ایران در طول این مذاکرات عبارتند از:

الف- پایان یافتن این فرآیند بی‌انتها. باید نتیجه کار مشخص شود. بعد از اجرای مدالیت‌ه جدید برای حل و فصل موضوعات باقی‌مانده، باید پرونده مختومه شده و اجرای پادمان آژانس به وضعیت عادی برگردد.

ب- نباید کار از صفر آغاز شود. یا برنامه کار قبلی در سال 2007 همان‌گونه که ایران قویا باور دارد اجرا شده است که بر اساس آن مدیرکل و شورای حکام باید آن را مختومه اعلام کنند و پادمان باید به وضعیت عادی بازگردد یا چنانچه آژانس بر این نظر هست که بخش آخر یعنی مطالعات ادعایی، به کار بیش‌تری نیاز دارد، مدالیت‌ه جدید باید پیرو برنامه کار قبلی که به تصویب شورای حکام رسیده بود، باشد. مدیرکل تاکنون از هرگونه اشاره‌ای به این موضوع ممانعت کرده است. این یک بن‌بست است.

ج- امنیت ملی کشورهای عضو از جمله ایران، باید به عنوان بالاترین اولویت در نظر گرفته شود. این واقعیت تلخ که اطلاعات محرمانه توسط آژانس محافظت نمی‌شوند، مایه نگرانی جدی است. هیچ کشوری به دبیرخانه آژانس برای اقدامات ناشناخته بیش‌تری که ممکن است در آینده درخواست کند، چک سفید نمی‌دهد. تیم مذاکره‌کننده مشغول کار روی لحنی برای پرداختن به این نگرانی جهت هموار کردن راه به منظور انعقاد موافقت‌نامه در روز بعد در تهران بود اما با کسب تلفنی دستورالعمل از مدیرکل، آنها گفت‌وگوها را تعلیق کرده و با وجود برنامه‌ریزی برای روز دوم، تهران را به مقصد وین ترک کردند.

د- یک کشور عضو دارای حق حاکمیت و دبیرخانه آژانس، هم‌شان نیستند. کشور ذی‌ربط حق دارد نسبت به متعهد کردن خود به اقداماتی با تأثیر احتمالی روی امنیت ملی‌اش، حداکثر هوشیاری را به خرج دهد.

ه- در سال 2005 ایران دو بار به سایت پارچین دسترسی داد و مدیرکل پیشین آژانس گزارش کرد که هیچ مواد یا فعالیت‌های هسته‌ای در آن جا یافت نشده است. اکنون مدیرکل موضوعات بسته شده را مطرح می‌کند از جمله درخواست برای دسترسی به ساختمانی در همان سایت که ادعا می‌شود در سال 2000 یعنی 5 سال پیش‌تر از آخرین بازرسی آزاد، شدید و جامع، بنا شده و آژانس ثابت کرد که ادعاها بی‌اساس بوده و همان‌طور که معاون پیشین مدیرکل اظهار کرد: پارچین، بخشی از تاریخ است. این واقعیت که پارچین که در بین موضوعات بخش‌هایی شده متن مورد مذاکره قرار دارد، نشان از شفافیت ایران دارد. چنانچه ایران و آژانس پیش از دسترسی به پارچین در سال 2005 روی مدالیت‌های توافق کرده بودند، امروز وضعیت متفاوت بود. بنابراین دسترسی به هرگونه مکانی باید بر مبنای مدالیت‌ه و معیارهای توافق شده صورت گیرد، زیرا چنین اقدامی فرای راستی‌آزمایی عادی معاهده منع اشاعه هسته‌ای است. درخواست مکرر علنی مدیرکل برای دسترسی به پارچین قبل از انعقاد و امضاء مدالیت‌ه یا به اصطلاح رویکرد ساختاری، غیر قابل توجیه است و موضوع را به شدت سیاسی کرده، تحریک و مانع بزرگی را ایجاد کرده است.

و- آخرین نکته، اما نه کم اهمیت‌ترین، کنترل از راه دور توسط مقر آژانس و فقدان اختیار کامل تیم مذاکره‌کننده، به ریاست معاون مدیرکل، یکی از دلایل اصلی برای طولانی شدن و ناتوانی در جمع‌بندی گفت‌وگوها است. در غیر این صورت، مدالیت‌ه باید تا به حال امضاء شده بود، دسترسی به پارچین داده شده بود و موضوعات باقی‌مانده حل شده بودند.

آقای رییس،

ناگزیرم توضیحات کوتاهی را در رابطه با سخنرانی افتتاحیه مدیرکل و نیز در خصوص گزارش کتبی ایشان (Gov/2012/55) ارائه کنم. مدیرکل اظهار داشته: ".... ایران همکاری لازم را از جمله در مورد اجرای پروتکل الحاقی به عمل نمی‌آورد، از این رو آژانس قادر نیست درباره نبود فعالیت‌ها و مواد هسته‌ای اعلام نشده اطمینان موثقی ارائه دهد....." یا ".... تا مگر آن‌که یا تا زمانی که ایران همکاری لازم را فراهم کند، از جمله با اجرای پروتکل الحاقی....". بدین ترتیب از ایران درخواست شده تا پروتکل الحاقی را اجرا کند.

در این چارچوب مایلم توجه همکارانم را به نکات ذیل جلب کنم:

1- پروتکل الحاقی یک سند تعهدآور حقوقی نیست، بلکه ماهیت داوطلبانه دارد. بنابراین بسیاری از کشورهای عضو (61 کشور عضو طبق گزارش اجرای پادمان سال 2011) از جمله ایران که این پروتکل الحاقی را اجرا نمی‌کنند تخلفی از تعهدات پادمانی معاهده منع اشاعه هسته‌ای ندارند.

2- اساساً قابل قبول نیست که بدون رضایت یک کشور دارای حق حاکمیت، یک سند داوطلبانه به یک تعهد حقوقی تبدیل شود. این مفهوم اساسی در رابطه با پروتکل الحاقی در کنفرانس بازنگری سال 2010 معاهده منع اشاعه هسته‌ای (NPT/CONF.2010/50)، (Vol. I) و نیز در کنفرانس عمومی آژانس (GC (56)/RES/13) که اشعار می‌دارد: "این حق حاکمیت یک کشور عضو است که

پروتکل الحاقی را منعقد کند" مورد تایید واقع شده است.

3- هر کشور عضو از جمله ایران، نسبت به تصویب پروتکل الحاقی یا تصویب نکردن آن از حق حاکمیت برخوردار است. اظهاراتی که در بند 53 گزارش (GOV/2012/55) آمده مبنی بر این که "ایران همکاری لازم را از جمله در مورد اجرای پروتکل الحاقی، به عمل نمی‌آورد" هیچ مبنای حقوقی ندارد و فرای وظایف اساسنامه‌ای مدیرکل است. آژانس تنها باید پایبندی کشورهای عضو بر مبنای اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و موافقت‌نامه‌های ذی‌ربط پادمان را راستی‌آزمایی کند.

4- با وجود همکاری ایران در اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی برای بیش از دو سال و نیم (2003-2006) به عنوان یک اقدام اعتمادساز، متأسفانه تحت فشار محدود کشورهای غربی، شورای حکام در همان مقطع اقدام به تصویب 7 قطعنامه غیر قانونی کرد که به روشنی مشخص کرد که مورد جمهوری اسلامی ایران، نه فنی و نه حقوقی است بلکه سیاسی است.

5- در گزارش مقطعی به شورای حکام در مورد اجرای موافقت‌نامه پادمان، مدیرکل یک عنوان فرعی تحت عنوان "پروتکل الحاقی" گنجانده با این فرض که ایران باید این پروتکل را اجرا کند. بر اساس این فرض نادرست، مدیرکل با بیان اظهارات کذب در گزارشاتش و اعلام این که "ایران همکاری لازم را از جمله در مورد اجرای پروتکل الحاقی، به عمل نمی‌آورد" شورا را گمراه کرده است.

6- تفسیر سوء از تعهد ایران در رابطه با پروتکل الحاقی یا استخراج تعهدات الزام‌آور حقوقی از قطعنامه‌های غیر قانونی شورای امنیت، جدای از این که دخالت غیر مجاز در اجرای موافقت‌نامه ایران است، غیر واقع‌بینانه بوده و برای جمهوری اسلامی ایران، تعهدآور نیستند: هر اقدام درخواستی از سوی شورای حکام در این زمینه، غیر مجاز، با انگیزه سیاسی و غیر قانونی است.

7- پی نوشت شماره 56 گزارش (GOV/2012/55) (تکمیل) می‌گوید: «؛شورای حکام از اوایل سال 1992 در موارد متعدد تایید کرده است که بند دوم سند، INFCIRC/153 (Corr). که مطابق ماده 2 موافقت‌نامه پادمان ایران است آژانس را ملزم می‌سازد و به آن اختیار می‌دهد تا هم برای انحراف نداشتن مواد هسته ای از فعالیت‌های اعلام شده (یعنی صحت) و هم برای نداشتن فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده در کشور (یعنی تکمیل) در صدد راستی‌آزمایی بر آید». (برای مثال نگاه کنید به سند: GOV/OR.864 بند 49). در این زمینه نکات زیر باید مورد توجه قرار گیرد.

8- شورای حکام هرگز این اختیار را به آژانس نداده و آن را ملزم نساخته است که در صدد راستی‌آزمایی انحراف نداشتن مواد هسته ای از فعالیت‌های اعلام شده (یعنی صحت) و منع فعالیت‌های هسته ای اعلام نشده در یکی از کشورهای عضو بر آید. سند GOV/OR.864 به وضوح نشان می‌دهد که این یک نظر شخصی است و تنها جمع‌بندی است که رییس در آن جلسه شورای حکام به عمل آورده است. وی می‌گوید: «؛شورا دستور عمومی برنامه 2+93 را تایید می‌کند» به دنبال آن برخی اعضای شورا تحفظاتی را بیان می‌کنند. برای مثال: «؛پذیرش توصیه‌هایی که در سند GOV/2784 ارائه گردیده است حاکی از تایید هیچ یک از اقدامات خاص توصیف شده در آن سند یا تایید تفاسیر حقوقی مطرح شده از سوی دبیرخانه نیست.» شورای حکام نظر رییس را که در بیانیه وی اظهار شد، تایید نمی‌کند. پس این نه به معنای «؛تفسیر اجماعی» است و نه «؛وظیفه یک جانبه‌ای» را ایجاد می‌کند. اگر تفسیر یک جانبه‌ای که در پی نوشت شماره 56 آمده است درست بود نیازی به تدوین پروتکل الحاقی نبود و از این رو موافقت‌نامه‌های پادمان در مورد صحت و تکمیل کفایت می‌کرد.

9- اگر چه پی نوشت می‌گوید: «؛ماده 2 موافقت‌نامه پادمان ایران به آژانس اختیار می‌دهد و آن را ملزم می‌سازد تا هم برای انحراف نداشتن مواد هسته ای از فعالیت‌های اعلام شده (یعنی صحت) و هم برای منع فعالیت‌های هسته ای اعلام نشده در کشور (یعنی تکمیل) در صدد راستی‌آزمایی بر آید» اما ماده 2 موافقت‌نامه پادمان ایران را به طور کامل بیان نمی‌کند، زیرا این موافقت‌نامه به روشنی بر حق و وظیفه آژانس برای تضمین اجرای پادمان در همه منابع یا مواد شکافت‌پذیر خاص مطابق شرایط این موافقت‌نامه تاکید می‌ورزد. بنابراین ملزم ساختن ایران به اجرای اقدامات راستی‌آزمایی خارج از دایره شمول موافقت‌نامه پادمان ایران از قبیل اجرای پروتکل الحاقی فراتر از حقوق و وظایف آژانس و غیر قانونی و غیر الزام‌آور است.

10- اساساً هر گونه تفسیر یک جانبه‌ای از یک موافقت‌نامه دو جانبه از جمله موافقت‌نامه‌های پادمان که ممکن است بر اجرای آن تاثیر بگذارد پیش از این که دو طرف آن را بپذیرند الزام‌آور نیست.

11- جمهوری اسلامی ایران در اجرای اقدامات پادمان در زمینه مواد و تاسیسات هسته ای همکاری کاملی با آژانس داشته است. بنابراین بیاناتی از قبیل این که: «؛ایران با اجرا نکردن پروتکل الحاقی همکاری لازم را به عمل نمی‌آورد و آژانس قادر نیست در خصوص فقدان مواد و فعالیت‌های هسته ای اعلام نشده در ایران تضمین معتبری بدهد و نتیجه بگیرد که همه مواد هسته ای در ایران در مسیر فعالیت‌های صلح‌آمیز به کار می‌رود» کاملاً غلط است و اساس حقوقی ندارد و نمونه دیگری از فقدان بی‌طرفی است.

12- واقعیت این است که همه مواد هسته ای در ایران حسابرسی شده‌اند و انحرافی به سمت اهداف نظامی نداشته‌اند و در تحت بازرسی کامل آژانس در مسیر فعالیت‌های صلح‌آمیز باقی‌مانده‌اند. اختلاط مفاهیم «مواد هسته ای اعلام شده» و «همه مواد هسته ای» به ترتیب در متن موافقت‌نامه جامع پادمان و پروتکل الحاقی به شکلی غیرحرفه ای از لحاظ حقوقی قابل توجیه نیست. به علاوه این خلاف انتظار جنبش غیرمتعهد‌ها است که در بیانیه‌های متعدد خود شورای حکام را بدین نحو خطاب قرار می‌دهد: «غیرمتعهد‌ها بر تمایز اساسی میان وظایف حقوقی کشورها مطابق موافقت‌نامه‌های مربوطه پادمان که مقابل اقدامات اعتمادساز داوطلبانه قرار دارد و آن دسته از وظایفی که جزو وظایف حقوقی پادمانی نیست، تاکید می‌کند.» بنابراین نتیجه به دست آمده از برداشتی که قبلاً ذکر شد کاملاً غلط است و باید به نحو مقتضی اصلاح شود.

در این زمینه جمهوری اسلامی ایران حق خود را برای این‌که به سبب سوء برداشت ناشی از گزارش‌های مدیرکل به شورای حکام ادعای خسارت کند، محفوظ می‌دارد.

آقای رییس

اجازه دهید در مورد محافظت نشدن از اطلاعات محرمانه نکاتی را ارائه کنم:

1- متأسفانه اطلاعات محرمانه‌ای که آژانس از آن آگاه می‌شود مدت مدیدی است که در حال نشت کردن است. در این ارتباط، در چندین مناسبت (از طریق بیانیه‌های ارائه شده در شورای حکام و مکاتبات با آژانس) نگرانی‌ها و اعتراضات به اطلاع آژانس رسیده و این نکته مورد تاکید قرار گرفته که آژانس باید رژیم کنترلی سختگیرانه‌ای برای حفاظت موثر از افشا نشدن اطلاعات محرمانه به کار گیرد.

2- موضوع محرمانه بودن یکی از مهمترین عناصر اجرای موافقت‌نامه پادمان میان آژانس و کشورهای عضو است. ماده 5 (a) از موافقت‌نامه پادمان میان ایران و آژانس (سند INFCIRC/214) تصریح می‌کند: "آژانس باید هرگونه اقدام احتیاطی برای محافظت از اسرار تجاری و صنعتی و سایر اطلاعات محرمانه‌ای که به دست می‌آورد را در اجرای این موافقت‌نامه به عمل آورد."

3- ماده 9 (c) همین موافقت‌نامه نیز بیان می‌دارد: "فعالیت‌ها و بازدیدهای بازرسان آژانس باید طوری تنظیم شود که:.....(ii) از محافظت از اطلاعات صنعتی یا سایر اطلاعاتی که به آگاهی بازرسان می‌رسد، اطمینان حاصل شود."

4- همچنین ماده، (F) VII اساسنامه آژانس تصریح می‌کند که: "مدیر کل و کارکنان آژانس در اجرای وظایف خویشنباید هیچ‌گونه اسرار صنعتی یا هر اطلاعات محرمانه دیگری را که از آن‌ها آگاه می‌شوند، با استناد به وظایف قانونی خویش برای آژانس، افشا کند."

5- یادآور می‌شود که نگرانی‌های ابراز شده درباره محافظت از اطلاعات محرمانه در قطعنامه تقویت پادمان در نشست 56 کنفرانس عمومی و نیز در کنفرانس بازنگری معاهده منع اشاعه هسته‌ای در سال 2010 به تصویب رسید.

6- متأسفانه آژانس تاکنون نتوانسته از اطلاعات محرمانه ناشی از انجام بازرسی‌ها در تاسیسات پادمانی جمهوری اسلامی ایران محافظت کند و این اطلاعات گاهی اوقات از طریق آژانس نشت یافته و وسایل ارتباط جمعی از آن اطلاع پیدا کرده‌اند. آخرین نمونه، اطلاعات ارائه شده به آژانس در تاریخ 23 ژانویه 2013 در مورد نصب سانتریفیوژهای جدید (IR-2m) در تاسیسات نطنز است. این قبیل اتفاقات عمیقاً مغایر مواد فوق‌الاشاره از اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. بی‌شک ادامه چنین روندی منجر به بی‌اعتمادی میان کشورهای عضو و آژانس شده و فضایی منفی ایجاد می‌کند که زبان‌های جبران‌ناپذیری به همراه دارد.

متأسفانه این امر به یک رویه تبدیل شده و با وجود اعتراضات پی در پی از سوی ایران، آژانس اقدام ملموسی در خصوص این موضوع حساس و تکرار نکردن آن به‌عمل نیاورده است و بدین ترتیب این موضوع منجر به یک روند مداوم نقض اطلاعات محرمانه شده است.

همچنین به‌نظر می‌رسد بازرسان آژانس به عنوان وسیله‌ای برای نظارت و تایید اقدامات خرابکارانه مورد استفاده قرار می‌گیرند. علاوه بر گزارشی که جناب آقای عباسی در سخنرانی خود در نشست 56 کنفرانس عمومی ارائه کرد، به دنبال انتشار اخبار نادرست اخیر در مورد انفجار در تاسیسات فردو توسط وسایل ارتباط جمعی غربی، آژانس فوراً بازرسی اعلام نشده‌ای در تاسیسات فردو انجام داد و فردای آن روز، آژانس نتایج بازرسی را منتشر و اعلام کرد که هیچ تخریبی در تاسیسات مذکور به‌وجود نیامده است.

هر گونه برنامه‌ریزی و کارشکنی که دولت‌های تروریستی علیه تاسیسات هسته ای تحت پادمان ایران انجام می‌دهند، از سوی آژانس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه گزارش‌هایی که به طور محرمانه از آن‌ها حفاظت نمی‌شود به دست دولت‌های تروریستی می‌افتد

تا عملیات مخفیانه سرویس‌های جاسوسی خود را اصلاح و تعدیل کنند. باید یادآور شد که هدف از بازرسی‌های اعلام نشده، راستی‌آزمایی منع انحراف مواد هسته‌ای و نه کنترل میزان تاثیر عملیات مخفیانه است. بی‌تردید این گونه اقدامات قویا نادرست بوده و منجر به نتایج بسیار خطرناکی می‌شود.

من به نمایندگی از دولت‌م بدین وسیله به حفاظت نکردن از اطلاعات محرمانه اعتراض می‌کنم. لازم است چنین روندی به‌زودی اصلاح شود. باید مکانیزمی شبیه کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و سازمان منع سلاح‌های شیمیایی ایجاد شود تا به موارد نقض اطلاعات محرمانه کشورها رسیدگی شود و رویه‌ای نیز برای پرداخت غرامت در اثر نقض اطلاعات محرمانه به‌وجود آید. در ضمن جمهوری اسلامی ایران حق خود را برای درخواست غرامت در زمان مناسب، به‌خاطر تمام خساراتی که ناشی از چنین رفتاری است، محفوظ می‌دارد.

آقای رییس، همکاران گرامی،

به بهانه موضوع هسته‌ای ایران، نقض جدی مفاد معاهده منع اشاعه هسته‌ای از سوی برخی کشورهای غربی به کلی نادیده گرفته می‌شود:

مایلم به اطلاع برسانم که پس از گذشت دو سال از ارسال نامه مورخ 8 مارس 2011 اینجانب به مدیرکل در خصوص راستی‌آزمایی پادمان در کشورهای اروپایی میزبان سلاح‌های هسته‌ای که طبق تعهدات آن‌ها بر اساس معاهده منع اشاعه هسته‌ای است، هنوز هیچ پاسخی دریافت نکرده‌ام. مدیرکل باید همه کشورهای عضو را از این موضوع آگاه کند که آیا آژانس اظهارنامه‌های مربوط به مکان و مقدار دقیق مواد هسته‌ای با درجه سلاح اتمی را از این کشورهای غیر هسته‌ای دریافت کرده است یا خیر و نیز این که آیا آژانس چنین اظهارنامه‌هایی را مورد راستی‌آزمایی قرار داده است یا خیر؟

دولت آمریکا به مدتی طولانی صدها سلاح هسته‌ای را به کشورهای غیر هسته‌ای خاصی که عضو معاهده NPT هستند و از جمله کشورهایی که تحت پوشش چتر حمایتی ناتو هستند، انتقال داده است. تخمین زده می‌شود که حدود 240 کلاهک هسته‌ای در چندین کشور اروپایی شامل بلژیک، هلند، آلمان و ایتالیا تحت سیستم چتر هسته‌ای ناتو مستقر شده‌اند. اسناد و مدارک مربوط به چنین نقض‌هایی در کنفرانس‌های بازنگری معاهده منع اشاعه هسته‌ای طرح شده است.

ارسال صدها سلاح هسته‌ای به کشورهای غیرهسته‌ای و آموزش خلبانان جنگی و بمب افکن کشورهای میزبان برای نحوه به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای آمریکا علیه کشورهای هسته‌ای و غیر هسته‌ای، با روح و مفاد معاهده NPT و به‌ویژه با مواد یک و دو از موافقت‌نامه جامع پادمان با آژانس (INFCIRC/153) مغایرت دارد.

اساسنامه آژانس همچنین تصریح می‌کند که آژانس باید فعالیت‌های خود را در جهت "تقویت ایجاد خلع سلاح پادمانی در سراسر جهان" به انجام رساند. کنفرانس بازنگری معاهده NPT در سال 2010، هر چند به‌طور ناقص، اما اقدامات ویژه‌ای را در این زمینه تصویب کرد. برای مثال در اقدام شماره 5، کنفرانس تصمیم گرفت که: "کشورهای هسته‌ای متعهد می‌شوند که اقدامات منجر به خلع سلاح هسته‌ای را سرعت بخشند و بدین منظور، از آن‌ها دعوت می‌شود مسایل مربوط به سلاح هسته‌ای را، صرف‌نظر از نوع و مکان استقرار آن‌ها به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند خلع سلاح عمومی هسته‌ای، به‌سرعت حل و فصل کنند."

کشورهای دارای سلاح هسته‌ای همچنین متعهد شدند تا به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کنند کلیه مواد هسته‌ای شکافت‌پذیر تخصیص یافته به هر یک از آن‌ها دیگر برای مقاصد نظامی مورد نیاز نیست و این مواد را هر چه زودتر تحت راستی‌آزمایی آژانس یا سایر ترتیبات بین‌المللی ذی‌ربط قرار دهند تا از آن‌ها برای مصارف صلح‌آمیز استفاده و اطمینان حاصل شود که این مواد برای همیشه خارج از برنامه‌های نظامی باقی می‌مانند. کنفرانس بازنگری همچنین خواستار اجرای پادمان‌ها در تاسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز کشورهای دارای سلاح هسته‌ای شد.

این امر موجب نگرانی جدی است و امنیت جهانی و رژیم منع اشاعه از جمله معاهده NPT را تهدید می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور غیر هسته‌ای عضو معاهده NPT و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نمی‌تواند وضعیت موجود درباره توسعه سلاح‌های هسته‌ای در اروپا را بپذیرد. این امر نه تنها نقض آشکار مفاد و روح حاکم بر معاهده NPT توسط آمریکا و کشورهای اروپایی میزبان سلاح‌های هسته‌ای است، بلکه امنیت جهانی را نیز با تهدیدی جدی مواجه می‌کند.

از سوی دیگر سکوت شورای حکام در مقابل سلاح‌های هسته‌ای و تخلف از حقوق بین‌الملل از جمله قطعنامه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توسط رژیم صهیونیستی که تهدیدی جدی برای صلح و امنیت خاورمیانه و به‌طور کلی جهان است سوالات و تردیدهای جدی نسبت به رفتار مسئولان این نهاد (شورای حکام) که توسط اساسنامه به آن تفویض شده است قرار می‌دهد. زمان آن

فرا رسیده که در ساختار، ترکیب و وظایف شورای حکام اصلاحات جدی به عمل آید.

آقای رییس، همکاران گرامی،

در پایان مجدداً تکرار می‌کنم که سلاح هسته ای هیچ جایگاهی در دکتربین و اصول دفاعی ایران ندارد زیرا مقام معظم رهبری به طور علنی فتوایی را اعلام کردند که به موجب آن سلاح هسته ای را از دیدگاه مذهبی حرام دانستند. ایران ذره‌ای بیش از تعهدات خویش به موجب معاهده منع اشاعه هسته ای و موافقت‌نامه جامع پادمان نخواهد پذیرفت و ذره‌ای نیز از حق انکارناپذیر خود برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته ای، شامل غنی‌سازی با اهداف صلح‌آمیز عقب‌نشینی نخواهد کرد.

در طول 10 سال گذشته، جمهوری اسلامی ایران از هیچ تلاشی برای رفع ابهام فروگذار نکرده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها گزارش کرده است که هیچ مدرکی دال بر انحراف فعالیت‌ها یا مواد هسته ای ایران برای اهداف نظامی و هیچ Smoking gun نیافته است. این اتهامات مستمر، بی‌اساس بوده و باعث باز ماندن پرونده شده است. این روند بی‌پایان باید متوقف شود.

سیاست تحریم-گفت‌وگو، تهدید به حمله نظامی علیه تاسیسات هسته ای، و اقدامات تروریستی دولتی علیه دانشمندان هسته ای غیرسازنده داده است. این اقدامات موجب ارتقای همبستگی و عزم بوده و نتیجه معکوس ملت بزرگ ایران برای پیگیری حق مشروع خویش جهت دستیابی به انرژی هسته ای و به‌ویژه غنی‌سازی شده است. گزارش‌های مدیرکل مبنی بر پیشرفت مداوم فن‌آوری هسته ای در ایران شاهد این ادعا است.

آقای رییس،

غیرسیاسی کردن و غیر قطبی کردن آژانس، خلاص کردن شورای امنیت سازمان ملل متحد از پرداختن به این موضوع فنی که به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعلق دارد و گفت‌وگو، تنها شیوه‌های متمدنانه‌ای است که ابهامات را چنانچه وجود داشته باشند مرتفع کند.

سرانجام مایلم اعلام کنم که جمهوری اسلامی ایران قابل اعتمادترین کشور استراتژیک با ثبات در منطقه و با پتانسیل بسیار بالا برای حل مسایل منطقه ای و جهانی است. واضح است که سیاست "گفت‌وگو و فشار" محکوم به شکست است. بنابراین من از محدود کشورهایی که در طول دهه‌های گذشته نگاه و رفتار خصمانه‌ای علیه ایران داشته اند دعوت می‌کنم که رویکرد خود را، به منظور همکاری، از مقابله به مذاکره تغییر دهند. پنجره فرصت همچنان باز است.

سپاسگزارم.